

رئوس سیاست کمونیستی در قبال اوضاع فعلی

کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست هفتگی
۲۶۶

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۹ - ۳۱ تیر ۱۳۹۸
دوشنبه ها منتشر میشود

طبقه کارگر و سخنان نجویده

روحانی

خالد حاج محمدی

تلاش سران حاکمیت، نمایندگان و سخنگویان بورژوازی، برای تعرض به طبقه کارگر و اقشار کم درآمد جامعه، تنها بیان بی رحمی و شقاوت و بی شرمی پایان ناپذیر آنها نیست. بلکه بیان تلاش نمایندگان خودآگاه یک طبقه به منافع خود و دشمنی عمیق طبقاتی علیه طبقه کارگر از جانب آنها است. سخنان اخیر روحانی در خراسان شمالی و مخاطب قرار دادن مزد بگیران جامعه برای کار بدون مزد (بردگی مطلق)، در قامت رئیس دولت و سخنگوی این حاکمیت، بیان تعرض همه جانبه بورژوازی ایران و دولتش برای عقب راندن طبقه کارگر و خاموش کردن هر بارقه امیدی در میان این طبقه برای فردایی بهتر و زندگی ای انسانی است.

روحانی در سخنرانی خود گفته اند:

”بعد از جنگ جهانی دوم ژاپنی ها گفتند دیگر روزی هشت ساعت نباید کار کنیم. جنگ شده، ویرانی شده، باید کشورمان را آباد کنیم. هشت ساعت کار میکنیم پول میگیریم، چهار تا پنج ساعت هم مجانی کار میکنیم. باید این کار را کرد، چاره ای نیست. همه ما مشغولیم.“

مخاطب این اراجیف نه نمایندگان مجلس و سران نظام که هزاران هزار کارگر، معلم، پرستار و مزدبگری است که رسماً زیر خط فقر زندگی میکنند و برای کشیدن همان حقوق ناچیز از حلقوم دولت و کارفرما و دریافت ماهها دستمزد معوقه خود اعتراض میکنند. مخاطب این سخنان مزد بگیرانی اند که با گرانی و فقری که آقای روحانی و یارانش به جامعه تحمیل کرده اند، دست و پنجه نرم میکنند. آقای روحانی فراموش میکند که طبق آمارهای دولتی خط فقر در حال حاضر حدود ۶ میلیون تومان است و حداقل دستمزد تعیین شده دو میلیون تومان، یعنی چهار میلیون تومان زیر خط فقر، است. فراموش میکند که سالانه بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر، به آمار

صفحه ۳

مقدمه:

بسیار دشوار کرده است. بن بست و حامیان آن در منطقه که نه فقط گریبان جمهوری و ... پیامد سیاست امروز امریکا در اسلامی و ترامپ بلکه گریبان تمامی تحریکات نظامی در منطقه است. امری که متقابلاً از طرف جمهوری اسلامی و دستجات حامی آن، زمینه ساز ”عملیات تلافی جوانه“ نظامی و روی آوری به تقابل هایی چون نا امن کردن تنگه هرمز، و یا ضربه زدن به متحدین امریکا در منطقه است.

وضعیت بحرانی امروز و مخاطرات اقتصادی، بمباران شهرها، راه انداختن جنگ نیابتی از طریق جریانات و باندهای قومی و مذهبی امروز، با توجه به شرایط و یا ضربه زدن به نیروهای جمهوری فاکتورهای روز، برای روشن کردن

لشکرکشی نظامی اخیر امریکا و انگلیس در دریای عمان و خلیج فارس، انفجار کشتی های نفتکش و سقوط پهپاد امریکایی، توقیف نفتکش ایران توسط بریتانیا و ادامه تبلیغات جنگی، همگی حاکی از ادامه و تشدید تنش میان نیروهای بورژوازی جهانی و منطقه ای است و امکان بروز درگیری نظامی و بروز فاجعه ای در ایران و کل خاورمیانه را بیشتر و بیشتر کرده است.

تشدید تحریکات و تبلیغات جنگی هرگونه راه مصالحه و مذاکره را بر طرفین را، اگر نه غیرممکن که

آیا خریداری هست؟

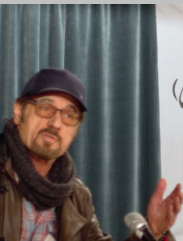
علیه میلیتاریسم و فضای جنگی

گزارش تجمع اعتراضی لندن

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۶



سخنی با مردم کردستان

”کردستان ژاندارم نمی خواهد!“

مظفر محمدی

قیام علیه رژیم امروز بار دیگر سر آنها است. نقشه ی جمهوری اسلامی در مذاکره با احزاب ناسیونالیست و قومی کرد، توطئه ای علیه آزادی و امنیت و معیشت و کرامت شما است. علیه چهار دهه مقاومت و ایستادگی شما در مقابل سرکوب و تباهی زندگی خود و خانواده هایتان و تحمیل فقر و فلاکت و تعرض به آزادی و انسانیت شما است!

جمهوری اسلامی، کشتار جمعی دهه شصت ایران و حجم سنگینی

کارگران، مردم زحمتکش، زنان! جوانان! انسان های شریف و مبارز!

این احزاب و شخصیت های بورژوازی و قومی و دینی، با کنگره های ملی و کنفرانس ها و نشستهایشان تا چهار حزب قومگرای کرد، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان و دو سازمان زحمتکش در ”مرکز همکاری احزاب کردستانی“ پس از سال ها در کش و قوس قهر و اشتی با جمهوری اسلامی، پس از یک دوره جنگ نیابتی و اعلام ”راسان“ یا

صفحه ۵

آزادی
برابری
حکومت کارگری

جبهه های جدال طبقاتی در ایران و تعیین مسیر پیشروی در راستان منافع طبقه کارگر، ضروری کرده است.

صفتبندی نیروها، در ایران، در این شرایط

۱- بحران سیاسی و اقتصادی بورژوازی جهانی، راه حل های بورژوازی جهانی در "مدیریت" رقابت های بین خود، و بالاخره تحرك میلیتاریستی اخیر هیئت حاکمه آمریکا بعنوان حلقه ای از این سیاست، بحران دامنگیر جمهوری اسلامی را تشدید کرده است و بر عمق بن بست اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک آن افزوده است.

این شرایط سیر تحولات جنبش های مترقی، کارگری، آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه را، علاوه بر فاکتور سرکوب بورژوازی حاکم، تحت مخاطرات ویژه ای قرار میدهد.

جمهوری اسلامی برای برون رفت از این اوضاع و بویژه برای مقابله با جنبشی که در دیماه ۹۶ برای به زیر کشیدن آن به میدان آمد، برای مقابله با خشم و نفرت میلیونی در جامعه راهی جز انقباض در بالا و یکدست کردن خود ندارد.

تغییرات اخیر در سپاه، ارتش و بسیج، اعلام ضرورت تشکیل دولتی "انقلابی و حزب الهی" از طرف خامنه ای در کنار بن بست "اصلاح طلبان" حاکی از این انقباض و یکدست شدن و عدم قبول هر نوع اپوزیسیون درون حکومتی، "لیبرال" یا "اصلاح طلب"، است.

۲- در صف اپوزیسیون های بورژوازی:

بخش اعظم اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی، چپ یا راست، مذهبی یا غیرمذهبی، در داخل یا خارج کشور، در این شرایط، چاره ای جز انتخاب بین یکی از قطب های ارتجاع بورژوازی، در مقابل خود نمی بیند و خود را ناگزیر از دنباله روی از یکی از قطب های بورژوازی در جدال در صفوف بورژوازی میدانند.

الف: بخشی از اپوزیسیون بورژوازی، از لیبرال و جمهورخواه تا طرفداران

سلطنت، همه در صورت هر درگیری نظامی، در کنار طیف توده ای- اکثریت، طیف ملی - مذهبیون و هم خانواده های آنها، به نام "دفاع از میهن" در کنار جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت.

سیاست و تاکتیک کمونیستی حزب

در قبال وضع موجود

جمهوری اسلامی که بدون تحریمها و فضای جنگی هم با بن بست اقتصادی بنیادی خود، از تامین نیازمندیهای مردم سرباز میزد، تحریمهای اقتصادی و فضای جنگی، را به مستمکی برای تعرض بیشتر به معیشت کارگران و معلمان و مردم محروم و توجیه فقر، فلاکت، بیکاری و تورم حاکم در جامعه تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی همچنین بیشترین استفاده را از فضای جنگی برای گسترش فشار، افزایش دستگیری ها و سرکوب اعتراضات و امنیتی و نظامی کردن محیط کار و زیست مردم، کرده است.

طبقه کارگر در دل هر شرایطی، تحت رهبری پیشروترین بخش خود، باید راه مقابله، مقاومت، دفاع مستقلانه خود را بیابد و راه پیشروی های بیشتر خود را باز کند. کمونیست ها، نه قدرگرا هستند و نه متوهم. نه خود را ملزم به دنباله روی از این یا آن قطب دشمن میدانند و نه در هیچ شرایطی تسلیم داده های دشمن میشوند.

در این شرایط سیاستهای زیر در دستور حزب قرار میگیرد:

۱- تلاش در سازماندهی و بسیج توده ای در مقابله با گسترش فقر و فلاکت و سرکوب به بهانه تحریمها و فضای جنگی. مقابله با به حاشیه افتادن مبارزه برای تحقق مطالبات مردم و مبارزه علیه فقر و فلاکت به بهانه فضای جنگی.

۲- گسترش تلاش بر سازمان دادن تحرکی وسیع در میان طبقه کارگر جهت تشکیل و گسترش جنبش مجامع عمومی و شوراهای کارگری و مردمی و فشار بر بورژوازی حاکم برای تامین معیشت مردم.

۳- گسترش فعالیت علیه تهدیدها و فضای جنگی امریکا و متحدینش در خارج کشور و بسیج افکار عمومی علیه هر

گونه تهدید و یا اقدام نظامی علیه مردم.

در شرایط وقوع درگیری های نظامی

۱- سازماندهی مستقل مقاومت توده ای در قبال جنگ، درگیری های نظامی و ... و عوارض آن با هدف تشکیل جبهه پرولتاریا و زحمتکشان غیر پرولتار برای اعمال اراده مستقیم مردم، کمک رسانی به مردمی که در اثر جنگ دچار آسیب جانی و مالی می شوند

۳- از آنجا که مبارزات مردم با مقاومت و سرکوب شدید از طرفی و خطر تهدید و توطئه های ناسیونالیستها و قوم پرستان، باندهای مذهبی و ... در مناطق مختلف، مواجه می شود، اقدام عملی جهت تامین قدرت دفاع از خود مردم و در نهایت تسلیح عمومی در دستور حزب قرار میگیرد.

۴- حزب به همراه نیروهای کمونیست در منطقه، کمپین خود در خارج کشور علیه حمله نظامی و میلیتاریسم امریکا و با هدف جلب حمایت افکار عمومی از مبارزات طبقه کارگر و مردم از دیدخواه علیه جمهوری اسلامی گسترش میدهد

حزب حکمتیست، با تاکید بر ضرورت دخالت و حضور قدرتمند خود بعنوان یک آلترناتیو کارگری و کمونیستی قدرتمند برای ممانعت از خلع سلاح طبقه کارگر و مردم محروم، تلاش میکند در ایران،

رئوس سیاست های خود را، در دل هر شرایط "مناسب" یا "نامناسب"، اقدامات نظامی یا پروپاگاندا میلیتاریستی، پیاده کند و در صف مقدم شکل دادن به قدرت و نیرویی باشد که بتواند ورق را در راستای منافع جامعه، منافع طبقه کارگر و همه مردم ایران، برگرداند.

کمیته رهبری حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ ژوئیه ۲۰۱۹ - ۲۵ تیرماه ۱۳۹۸

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

طبقه کارگر و ...

است، جامعه ایران در اعتراض علیه فقر، گرانی، دستمزدهای پرداخت نشده و مقابله با استثمار و بردگی طبقه کارگر و اقبال پایین جامعه، توسط اقلیتی بورژوا، در حال انفجار بود. تحرکات وسیع اعتراضی دیمه ۹۶ تنها گوشه ای از این جنبش عظیم بود. اعتراضات و اعتصابات هر روزه کارگری در گوشه و کنار مملکت، ابعاد نفرت عمومی از دزدی و فساد مالی حاکمین، از افزایش فقر، بیکاری و محرومیت کارگران و مزدگیران جامعه، خواست سرنگونی نظام را با همه جناح و دسته بندی های آن و به عنوان تنها راه و اولین قدم در راه هر نوع بهبودی در زندگی اکثریت مرد، در مقابل جامعه قرار داده بود.

اما ظاهراً قلدری دولت ترامپ و گردن کشی و گسترش میلیتاریسم او، تحریم اقتصادی و کشتن مدرنترین و مخرب ترین سلاحهای جنگی به خلیج، تبلیغات جنگی و شاخ و شانه کشیدن آنها و جمهوری اسلامی، ایجاد فضای ترس و نگرانی بر منطقه، از جانب جمهوری اسلامی به عنوان فرصتی طلایی برای تعرض به طبقه کارگر و زن و جوان معترض شمرده شد. قرار است به بهانه تحریم و فضای جنگی، طبقه کارگر و اقبال پایین جامعه را چنان مورد تعرض قرار دهد و به استیصال بکشند، که تا

است، جامعه ایران در اعتراض علیه فقر، گرانی، دستمزدهای پرداخت نشده و مقابله با استثمار و بردگی طبقه کارگر و اقبال پایین جامعه، توسط اقلیتی بورژوا، در حال انفجار بود. تحرکات وسیع اعتراضی دیمه ۹۶ تنها گوشه ای از این جنبش عظیم بود. اعتراضات و اعتصابات هر روزه کارگری در گوشه و کنار مملکت، ابعاد نفرت عمومی از دزدی و فساد مالی حاکمین، از افزایش فقر، بیکاری و محرومیت کارگران و مزدگیران جامعه، خواست سرنگونی نظام را با همه جناح و دسته بندی های آن و به عنوان تنها راه و اولین قدم در راه هر نوع بهبودی در زندگی اکثریت مرد، در مقابل جامعه قرار داده بود.

اما ظاهراً قلدری دولت ترامپ و گردن کشی و گسترش میلیتاریسم او، تحریم اقتصادی و کشتن مدرنترین و مخرب ترین سلاحهای جنگی به خلیج، تبلیغات جنگی و شاخ و شانه کشیدن آنها و جمهوری اسلامی، ایجاد فضای ترس و نگرانی بر منطقه، از جانب جمهوری اسلامی به عنوان فرصتی طلایی برای تعرض به طبقه کارگر و زن و جوان معترض شمرده شد. قرار است به بهانه تحریم و فضای جنگی، طبقه کارگر و اقبال پایین جامعه را چنان مورد تعرض قرار دهد و به استیصال بکشند، که تا

در این جلسه، امان کفا، دبیر تشکیلات خارج حزب، بر ضرورت مبارزه همه جانبه علیه میلیتاریسم آمریکا، فضای جنگی و عواقبی که هر نوع درگیری نظامی در منطقه می تواند داشته باشد، و نیاز بالفور سازمان دادن کمپینی وسیع علیه این میلیتاریسم و فضای جنگی تاکید کرد. او در ادامه، در رابطه با تلاش جمهوری اسلامی و طرفدارانش برای استفاده از ضدیت و تقابل نیروهای رادیکال و ضد جنگ با میلیتاریسم آمریکا، و کسب اعتبار برای رژیم در ایران و ضرورت مقابله با چنین تلاشهایی صحبت کرد.

امان کفا بر اهمیت خارج کردن این نیروها از صفوف کمپین علیه میلیتاریسم آمریکا در منطقه تاکید کرد و از شرکت کنندگان خواست که اجازه سوء استفاده

در اعتراض به میلیتاریسم و فضای جنگی

دبندبال فراخوان تشکیلات های خارج از کشور احزاب کمونیست کارگری عراق، کردستان و حزب حکمتیست (خط رسمی) در اعتراض به میلیتاریسم و فضای جنگی در منطقه، تشکیلات لندن حزب در جلسه ای که به این مناسبت در ساختمان پارلمان بریتانیا در ۱۱ ژوئیه برگزار شد، شرکت کرد.

سخنرانان این جلسه از سازمان های سی. ان. دی (کمپین برای خلع سلاح های اتمی) و جنبش ضد جنگ، بر اهمیت مبارزه بر علیه میلیتاریسم آمریکا صحبت کردند. لورا پیدلاک، یکی از اعضا پارلمان بریتانیا و از حزب کارگر (حزب لیبر) که ریاست جلسه را بعهده داشت، همراه با

تشیلات لندن حزب حکمتیست

(خط رسمی)

۲۸ تیر ۹۸ ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۹

زنده باد کمونیسم



جمهوری اسلامی بلاواسطه تولید و مشخصتر از آن بر سر طبقه کارگر در ایران است. البته که رفع تحریمها هدف رسماً اعلام شده جمهوری اسلامی در این دور مذاکرات را تشکیل داده است اما در این میان مشخصاً آزادسازی سرمایه های خارجی در عرصه تولیدی در مرکز قرار گرفته است. در این کشمکش جمهوری اسلامی قدرت نمایی و مطلوبیت و همه برگ برنده اش در یک جمله خلاصه میشود: یک طبقه کارگر ارزان و سرکوب شده، آیا خریداری هست؟

”کشمکش هسته ای“ برای جمهوری اسلامی کشمکشی همزمان در دو جبهه بوده است. اگر مذاکره و سازش، وعده و وعید، اگر تهدید و گروکشی از اجزای طبیعی این پروسه است، حادثترین جلوه هایش را در رفتار جمهوری اسلامی با طبقه کارگر میتوان سراغ گرفت.

در کشمکش با امریکا در اوج تقابل نظامی، مراقب اند که پلها خراب نشود، راه بازگشت را باز میگذارند، مبادی آداب هستند. اما در مقابله با طبقه کارگر در ایران سر سوزنی کوتاه نمیایند. امروز کماکان رهبران و فعالین کارگری در زندان بسر میبرند، هر گونه اعتراض کارگری حتی بر سر آنچه قانون حاکم برسمیت شناخته شده است جرم و از هر زمان دیگر سنگین تر بحساب می آید. امروز دستمزدها رسماً بیشتر از هر وقت دیگر زیر خط فقر رقم خورده است، تباهی و محرومیت امان دهها میلیون از مردم زحمتکش را بریده است. بیکاری بیداد میکند. در این میان فصل اول و استخوان بندی نمایش قدرت جمهوری اسلامی در امنیت داخلی و رو به مردم خلاصه میشود. رذالت و دشمنی جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار در ایران همه مرزهای چرکین تاریخ را پشت سر گذاشته است. دوره دوره رقابت بر سر جذب سرمایه است اما هنوز بسختی بتوان دستگاه دولتی و رسانه ها و خیل پژوهشگران خیر خواه سرمایه را سراغ گرفت که چنین جنون آمیز فقر و استیصال یک طبقه دهها میلیونی را از زبان آمارها و رپرتاژها جار بزنند و بدون وقفه تباهی طبقه کارگر را در قانون چهار

میخه کنند. راستی منت اینها بر سر طبقه کارگر برای چیست؟ تا صلح و مذاکره در دستور بود، کدام نعمت، کدام امنیت، کدامین رفاه، کدام آسایش؟ ... امروز با افاق جنگ، کدام آینده؟ در فضای جنگی که نگرانی خرابی و کشتار در میان مردم عادی توان و اشتیاق و امکان دخالت سیاسی را میکشد، فضایی که صرف زنده ماندن و تا چه رسد پرداختن به آینده را به صدر اولویتها میراند؛ اتفاقاً برای بورژوازی فرصتی برای ترسیم آینده است: طبقه کارگر باید به میدان بیاید، کمبودهای ناشی از تداوم محاصره اقتصادی را جبران کند و با همت خود صنعت و اقتصاد را با فداکاری ملی خود براه بیاندازد. مساله محوری پرونده امنی و کشمکشهای حول آن بر سر طبقه کارگر در ایران است. صلح اینها بدون گردن گذاشتن طبقه کارگر به چند نسل از کار و تباهی مفت نمی آرد. شکست مذاکرات فقط از آنجایی موجب نگرانی است که طبقه کارگر را به جای تسلیم به صرافت مبارزه مستقل بیاندازد.

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۹

ظرفیت های خود برای یک جنگ خانمانسوز کوتاهی بخرج نمیدهند. راستی از خود بپرسیم در آستانه بلافصل جنگی که در همان اولین بروزات خود چرخ اقتصاد ایران را فلج ساخته و تا غرش بمب افکن ها و موشک ها سر سوزنی باقی است؛ این تبلیغات و دلمشغله برای ۳۵ میلیارد تومان سالانه جهت مخارج چهار میلیون بیکار و خانواده آنها برای چیست؟

کشمکش با امریکا یک تند پیچ مهم در حیات سیاسی جمهوری اسلامی است. این پدیده نه یک چانه زدن نمایشی دیپلماتیک بلکه یک سر فصل در تصفیه حسابها، باز تعریف مواضع و جابجا کردن توازن قواست. تحولات جدی در منطقه و تغییرات مهم در سیاستها و مواضع ایران و طرف حسابهایش میبایست در متن کشمکش ”امنی“ تثبیت شود. ظاهراً این جمهوری اسلامی پر قدرت تر از همیشه، با هیئت حاکمه ای منسجم، در معیت طبقه بورژوازی هم خط، دولتی در بهترین موازنه قدرت منطقه ای، همه و همه با تشریفات عظیم در زیر تابلوی ”توافقات امنی“ در کریدورهای دور دست دیپلماتیک جولان دار صحنه بوده است. در دنیای واقعی نفس کشمکش هسته ای، مذاکره و تنش های نظامی، هیچکدام پدیده تازه ای در کل در رابطه میان جمهوری اسلامی و طرف حساب امریکایی - غربی نیست. در ده سال اخیر مذاکرات و توافقات و سعی در تفاهم و همکاری در میان طرفین هیچ گاه قطع نشده است. سیاست امریکا در سازش با جمهوری اسلام هیچ گاه به این اندازه جا افتاده نبوده است. ابعاد فعالیتهای هسته ای ایران و تمایل بر سر کنترل بین المللی و توافق بر سر آن بر دوست و دشمن روشن تر از این نمیتوانست باشد.

دلیل افزایش شمار افرادی که بیمه بیکاری میگیرند، چیست؟ دلایل مختلفی برای این اتفاق ذکر می شود، از جمله اینکه افراد زیادی تازه متوجه قانون شده و فهمیده اند می توانند بیمه بیکاری دریافت کنند. در واقع، این دسته از افراد اینطور تحلیل می کنند که قبلاً هم به همین میزان بیکاری بوده، اما شهروندان نمی دانسته اند می شود بیمه بیکاری دریافت کرد. برخی دیگر هم از تخلفات و سوءاستفاده هایی در این زمینه خبر می دهند. عنوان می شود که بیکاری برخی از افراد صوری است، یعنی اینکه آنها کار دارند، اما خود را بیکار جا می زنند تا بیمه بیکاری دریافت کنند ... (” ایلنا شمار دریافت کنندگان مقری بیمه بیکاری را بررسی میکند“، ۲۹ تیر ماه ۱۳۹۸)

جملات فوق از مندرجات خبرگزاری کار ایران، ایلنا، نقل شده است. تعفن شانناژ آشکارا ضد کارگری در این اظهارات بخصوص آنجا آشکار میشود که موضوع اصلی بر سر آمار تازه منتشر شده ای دال بر افزایش دریافت کنندگان مقرری بیمه بیکاری به تعداد ۲۵۰ هزار نفر است. باید اقرار کرد که در بوق کردن رقم ذکر شده در حالیکه رقم رسمی سراپا دروغ دولتی حکایت از دوازده درصد و بمعنای چهار میلیون بیکار دارد، و در حالیکه دریافت میزان فکستنی بیمه بیکاری (۵۵ درصد از دستمزد پایه که بنوبه خود یک پنجم خط فقر میباشد) دست کمی از هفت خوان رستم ندارد؛ یک رقص شتری و آبروباخته است. ”راه حل“ پیشنهادی متخصصین با وجدان تر خبرگزاری دست کمی از متن اصلی ضد کارگری مندرجات مربوطه ندارد، اما مساله اصلی و اهمیت این آمار و اخبار در فضای سیاسی و جنگی حاکم بر ایران و منطقه نهفته است.

کشمکش با امریکا و فضای جنگی تمام عیار نفس را در سینه جهان حبس کرده است. در همان مراحل اولیه، آنچه در دنیای ژورنالیستی به ”جنگ اراده“ شناخته شده است، طرفین در نمایش

کردستان ژاندارم نمیخواهد

از کشتار و اعدام و شکنجه و نظامی کردن کردستان را در پرونده خود دارد. جمهوری اسلامی مسوولیت بیکاری عظیم، فقر و گرسنگی و اعتیاد و فحشا و فساد و دزدی و سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه و تباه کردن دو نسل انسان های جامعه ایران را بر عهده دارد.

اقدام زبونانه ی احزاب قومی در شرایطی که طبقه کارگر و مردم ایران راهی جز سرنگونی جمهوری اسلامی پیش پای خود ندارند، دهن کجی به جامعه ای است که نفرت از رژیم و تشدید اعتراض و مبارزه تار و پودش را تنیده است.

احزاب ناسیونالیست پس از یک سال و نیم مذاکره مخفی با عناصر اطلاعات رژیم امروز آمده اند و در کمال وقاحت و بیشمری اقدام خود را به نام مردم و بر سر مساله کرد به شما اعلام می کنند.

این احزاب خود را نماینده اکثریت مردم کردستان می نامند. معلوم نیست این نمایندگی را در کدام انتخابات و همه پرسی به دست آورده اند؟

مذاکره بر سر موضوعی به نام "مساله کرد"، سیاست و عمل نفرت انگیزی است که مردم کردستان آن را نخواهند پذیرفت.

مساله و درد اکثریت کارگر و زحمتکش و حقوق بگیران جزء و مردم ستمدیده ی کردستان، نه زبان و لباس و فرهنگ کردی، بلکه بیکاری، فقر، گرسنگی، تبعیض جنسی و سرکوب و اعدام است. دردی که خاص کردستان به تنهایی نیست و سراسر ایران را در بر می گیرد. راه نجات هم مبارزه و جنبش سراسری کل طبقه کارگر و زحمتکشان و محرومان جامعه ایران است. کردستان راه جداگانه ای ندارد.

جمهوری اسلامی برای حل مساله کرد و یا جواب به فقر و گرسنگی و فلاکت جامعه، احزاب کردی را به مذاکره دعوت نکرده است. رژیم احزاب ناسیونالیست را برای سردواندن، فلج کردن و بی خاصیت

و حاشیه ای کردن می خواهد. و برای ایجاد تفرقه در صفوف مردم و در خدمت فریب و ساکت کردن بخش ناآگاه و دنباله رو ناسیونالیسم کرد، می خواهد.

جمهوری اسلامی می خواهد برای لاپوشانی جرائم و جنایات خود در کردستان، احزاب ناسیونالیست را شریک جرم خود و ژاندارم کردستان کند.

مردم کردستان، چهار دهه جرائم بیشمار رژیم را به او نمی بخشند. مردم کردستان ژاندارم نمی خواهند. نمی خواهند نسخه کردی و سنی قوانین قصاص و سنگسار توسط ملاحی سنی اجرا شود.

مردم کردستان خواستار محاکمه و مجازات سرکوبگران و قاتلان فرزندان خود و سران رژیمی است که زحمتکشان و گرسنگان و جوانان را حتی زیر بار کولبری به گلوله بسته و کشته است. خواستار محاکمه و مجازات مجرمینی است که با تصرف و غارت داراییهای جامعه، گرسنگی و فقر و اعتیاد و تن فروشی و مریضی جسمی و روانی را به اکثریت مردم زحمتکش تحمیل کرده است.

مردم کردستان بجای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی، خواهان برچیدن بساط ننگین فساد و دزدی و سرکوب و خواهان سرنگونی رژیم اند.

احزاب ناسیونالیست فاتحان جنگ با جمهوری اسلامی بر سر آزادی و رفاه و معیشت و برابری زن و مرد در کردستان نیستند. این ها بازندگان و تسلیم شدگان به جمهوری اسلامی اند و جایی در میان مردم کردستان ندارند. این ها هیچ منفعتی از مردم را نمایندگی نمی کنند. مردم کردستان ادعای احزاب قومی مبنی بر نمایندگی اکثریت مردم کردستان را نماند.

تجربه کردستان عراق و دولت اقلیم نشان داده است که مردم کردستان ایران، سرنوشت خود را دست جدال و رقابتهای احزاب ناسیونالیست نمی دهند. زمانی چند سال پیش احزاب کردی در

آغاز سال تحصیلی از دانش آموزان کردستان خواستند روز اول سال، با لباس کردی به مدرسه بروند، زنگ خطر تفرقه قومی به صدا در آمد. اگر این اتفاق می افتاد، مدارس کردستان، محل تخصصات و نفرت قومی و دینی میان شما و فرزندان کرد زبان شما با دیگر فرزندان فارس و ترک و عرب زبان و خانواده هایشان می شد. این فاجعه را شما رد کردید!

کارگران! مردم!

ما جامعه ای می خواهیم که مساله ای به نام ستم ملی و اقوام و تفرقه قومی و دینی و مذهبی نداشته باشد.

جامعه ای که برابری کامل زن و مرد دارد. جامعه ای که همه ی شهروندانش برابری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند. حقوق شهروندی برابر همه ی انسان های جامعه صرف نظر از ملیت و قومیت و مذهب و جنسیت تامین است. جامعه ای که همه کار می کنند و همه به یکسان از تولید نعمات جامعه برخوردار اند. کسی بیکار نیست، بی مسکن نیست، بی دارو و تامین اجتماعی نیست، کسی بخاطر نان خود و فرزندانش تن فروشی نمی کند، کسی از ناامیدی و فقر به اعتیاد پناه نمی برد.

پدیده ای به نام سرمایه دار و کارگر وجود ندارد. هر کس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه نیازش می گیرد. از ارتش و سپاه و سازمانهای مخوف اطلاعاتی مافوق مردم برای سرکوب جامعه و حفظ نظام سرمایه داری خبری نیست. تسلیح عمومی جای نیروهای مسلح مافوق مردم را می گیرد. جامعه ی سوسیالیستی آتی ما به دخالت در جدالهای منطقه ای و نیروهای مزدور و نیابتی با خرج سفره ی مردم خاتمه می دهد. جامعه ی سوسیالیستی ما الگویی برای بشریت خواهد بود. یک جامعه ی سوسیالیستی و آزاد و برابر و مرفه!

ما و شما در مقابل جمهوری اسلامی و قوم پرستانی که می خواهند در کنار رژیم بایستند، اعلام می کنیم که نظام آتی ایران و کردستان بعنوان بخشی از جامعه،

حکومت شورایی است. شوراهای کارگری در مراکز کار، شوراهای مردمی در محلات و شهرها و در صفوف همه ی زحمتکشان، ابزار مبارزه و پیشروی و پیروزی ما است.

ما باید خود را برای سازمان دادن مجامع عمومی، شوراهای واقعی کارگری و مردمی در همه ی مراکز، در محلات شهرها و در صفوف معلمان و پرستاران و کارمندان جزء و دیگر اقشار زحمتکش جامعه آماده کنیم. طبقه کارگر و

زحمتکشان و محرومان جامعه نباید به چیزی کم تر از این رضایت بدهند. این برنامه و افق و شیوه زندگی ما است. ملی گرایی و قوم پرستی و فدرالیسم و جنگ و مذاکره ناسیونالیست ها، مانع جدی ما است. نقشه و توطئه ای علیه آزادی و برابری جامعه ی ما است. ناسیونالیسم و کردایتی دغدغه ی احزابی است که امروز در مرکز همکاری احزاب کردستانی جمع شده اند تا با استفاده از خرافات قومی و مذهبی سهم ناچیزی از قدرت و ثروت را نصیب خود کنند. ما باید این آرزو و رویایشان را به یاس تبدیل کنیم. ما باید ریشه این جرایم را بخشکانیم. ما از مذاکره و معامله و بندو بست از بالای احزاب کردی بر سر حقوق مردم متفریم.

مردم کردستان!

معامله ی احزاب ناسیونالیست بر سر حقوق خود را قبول نکنید! در مقابل این توطئه ی رژیم بایستید و نا مربوطی احزاب و مذاکره شان را با حقوق و منافع خود با صدای بلند اعلام کنید. نسخه کردی جمهوری اسلامی در کردستان را نپذیرید.

"کردستان ژاندارم نمی خواهد" مهتری است که باید مردم کردستان بر پیشان احزاب قومی همراه جمهوری اسلامی، بکوبند!

مظفر محمدی

تیرماه ۹۸ (ژوئیه ۲۰۱۹)

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب
 @HekmatistXateRasmi

فیسبوک حزب
facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا
radioneena.com

تلگرام رادیو نینا
 @Radionenna

اینستا گرام رادیو نینا
instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو
 آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

گزارش تجمع اعتراضی لندن برای آزادی کارگران و زندانیان سیاسی!

روز جمعه ۱۹ ژوئیه به فراخوان تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) و کارزار شاهرخ زمانی جمعی در اعتراض به تداوم بازداشت اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، اعضای نشریه گام و وضعیت وخیم سلامتی امیر حسین محمدی فرد و ساناز اللهیاری بدلیل بیش از دو هفته اعتصاب غذا و همچنین فعالین کارگری بازداشت شده روز جهانی کارگر در ایران و سایر زندانیان سیاسی در لندن مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی برگزار گردید.



شرکت کنندگان با شعارهای خود علیه سرکوب کارگران و خواست آزادی کارگران زندانی و همچنین بنرهایی که حاوی این شعارها بود توجه بسیاری را به خود جلب کردند. در این تجمع ضمن اعتراض به ادامه بازداشت های فعالین هفت تپه و شرکت کنندگان در روز جهانی کارگر، معترضان خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی و همچنین فعالین عرضه های زنان، معلمان، دانشجویان، کودکان، محیط زیست و سایر زندانیان سیاسی شدند.

کارمندان کنسولگری که از حضور مداوم معترضین دل خوشی ندارند پلیس را به محل تجمع آوردند.

این تجمع توجه مراجعه کنندگان غیر ایرانی و ایرانی به کنسولگری و همچنین عابریں را به خود جلب کرده بود و چند نفر از مراجعه کنندگان و عابریں اعلام حمایت خود را این اعتراض علنا بیان کردند.

در پایان، تجمع کنندگان ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت کارگران و فعالین بازداشتی هفت تپه و نشریه گام و سلامتی ساناز اللهیاری و امیر حسین محمدی فرد و همچنین سایر کارگران و زندانیان سیاسی اعلام کردند که تجمعات اعتراضی و نامه نگاری و ملاقات با اتحادیه های کارگری، جلب حمایتهای بیشتر از مبارزه کارگران و مردم محروم و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی را ادامه خواهند داد.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن قدردانی از شرکت کنندگان در این تجمع، همه ایرانیان آزادیخواه، حامیان کارگران و زندانیان سیاسی را به حضور فعال در این اعتراضات، در جلب حمایت از مبارزه مردم در ایران برای آزادی و رفاه، فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکند.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست - خط رسمی

۲۸ تیر ۹۸ - ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۹

مردم در شوراهای مستقل و مردمی خود متحد و متکلم شوید!